

چگونگی جهاد تبیین در رسانه

آنچه ملاحظه می‌فرمائید متن پیاده شده سخنرانی دکتر داوودی، استاد دانشگاه و کارشناس برجسته‌ی حوزه رسانه و فضای مجازی در صداوسیما می‌باشد که در مکان سازمان بسیج اساتید ایراد شده است و به همین منظور جهت استفاده پژوهشگران و اساتید شبکه جهاد تبیین تقدیم می‌گردد.

جهاد تبیین ساحت و شاخه‌های مختلفی دارد که در فرصت حاضر قصد بررسی آن در ساحت رسانه است. مسئله اصلی این است که در حوزه رسانه جهاد تبیین چگونه باید باشد و یا به عبارت دقیق‌تر رسانه در این عرصه چه اتفاقی را باید رقم بزند. رسانه پیچیدگی‌های زیادی دارد و ما الان در یکی از خطرناک‌ترین، مهمترین و کارآمدترین شرایط حال حاضر رسانه قرار گرفته ایم.

در پاسخ به این سؤال اول باید اشاره شود که حد فاصل موضوع "جهاد تبیین" و "رسانه" یک لولایی وجود دارد که دارای سه بخش می‌باشد. اگر کسانی که در حوزه رسانه کار می‌کنند این لولاها را دقیق نشناخته و بر آن‌ها

تسلط نداشته باشند مشمول این تذکر مقام معظم رهبری واقع می‌شوند که می‌فرمایند :

" این مدل، بازی در زمین دشمن است."

حضرت آقا در دیدار با اصحاب رسانه چهار مأموریت را به رسانه ها دادند:

۱- ایران را به ایرانی درست بشناسانید.

۲- ایران را به خارج درست بشناسانید.

۳- خارج را به ایران درست بشناسانید.

۴- خارج را به خارج درست بشناسانید.

فرقی نمی‌کند شما رئیس رسانه باشید یا یک مجری، وبلاگ نویس باشید یا یک پیج اینستاگرام داشته باشید. اصلاً مهم نیست شما چه نقشی دارید. همین که شما یک رسانه اید، خواه با یک مخاطب، خواه با یک میلیارد مخاطب، اگر بتوانید حرفی بزنید هدف تان تبیین باشد و در روش بیان خستگی ناپذیر باشید، یعنی جهاد گونه نگاه کنید، عمق نفوذ کلام شما کاملاً آشکار خواهد شد. این را در نظر داشته باشید که وقتی صحبت از هدایت سیاسی و رسانه می‌کنیم یعنی تبیین در این ۴ مأموریت .

در مجموعه فرمایشات حضرت آقا در نسبت با رسانه، جهاد در رسانه و تبیین جهادی که در رسانه می‌شود، این ۳ ساحت موضوعی را می‌توان یافت. توجه شود که آن سه لولا قواعدی است که ما از متن فرمایشات حضرت آقا در آوردیم اصل آن چهار مأموریت است، آن چهار مأموریت برای اینکه پیاده شود سه لولا لازم دارد که این سه لولا اگر رعایت نشود، این چهار مأموریت توسط

رسانه ها محقق نخواهد شد. چرا؟ چون از نظر ما اشراف بر آن چه ایشان می‌خواهد خیلی مهم است. در واقع نکته مهم این است که چهار ماموریت فوق محقق نخواهد شد مگر این که جهاد تبیین با سه لولا به رسانه پیوند داشته باشد که این سه لولا عبارتند از :

لولای اول : مفهوم تبیین

تبیین صورت نمی‌گیرد مگر اینکه چهار مرحله اتفاق بیافتد: توضیح، تفسیر، تشریح، تحلیل .

حضرت آقا در سال ۸۸ راجع به حضرت عمار یک نکته ای را راجع به بحث تحلیل فرمودند که خیلی نکته مهمی بود. خیلی از افرادی که سال ۸۸ تحلیل هاشون غلط شده بود بخاطر این بود که که آن تشریح موضوعاتی که در ذهن رخ داده بود و تفسیر محیطی که از رخ داده‌ها شده بود و توضیحاتی که نسبت به آن گزاره ها داده می‌شد همه در یک غبار قرار گرفته بود و منتج به تحلیل غلط شد و حال آن که شما زمانی به مرحله تحلیل می رسید که بصیرت پیدا کنید .

پس اگر مسیر تفسیر، توضیح و تشریح ، غلط باشد تحلیل، غلط است و بصیرت حاصل نمی‌شود. بی بصیرتی یعنی حق را می بینی اما قدرت انتخاب آن را نداری و بصیرت یعنی حق را می بینی و قدرت انتخاب کردنش را هم داری .

پس مرحله اول یعنی رسیدن به تحلیل که تنها در یک صورت اتفاق می افتد و آن این که گزاره هایی که یک مسأله را تشکیل داده است درست باشد. در رسانه اگر مسئله شناسی صحیح نباشد موضوعات فرعی جای موضوعات اصلی را می گیرد.

وقتی قوه‌ی تشخیص از بین می‌رود تفسیر و تبیین و تشریح و توضیح، غلط می‌شود و توان کشور در حوزه رسانه از بین می‌رود. پس وقتی صحبت از جهاد تبیین می‌کنیم یعنی صحبت از توضیح، تشریح، تفسیر و تحلیل می‌کنیم که باید دو عنصر انصاف و اطلاعات را هم به آن اضافه کنیم. منظور از اطلاعات، اطلاعات اینترنتی در فضای مجازی نیست، بلکه اطلاعات منبعث از منابع اصیل می‌باشد این عناصر در کنار تقوا و انصاف می‌تواند ما را به مرحله‌ی تبیین برساند.

مرحله‌ی تبیین، مرحله‌ی ای است که مردم نسبت به وضع موجود منتقد هستند اما برای رسیدن به وضع مطلوب، حذف وضع موجود را دنبال نمی‌کنند. حالا سؤال این است که انتهای جهاد تبیین به چه چیزی می‌رسد؟ چنانچه تبیین درست صورت گیرد مخاطب جهاد تبیین، نقص و اشکال را در لکن کارگزار و عدم اهتمام و جدیت قانون‌گذار و مجری می‌بیند، او نقص را در حاکمیت و یا انقلاب نمی‌بیند، نقص را در جمهوریت نظام که ریشه در نقائص افراد است می‌بیند، زیرا تبیین یعنی قدرت تمیز و تشخیص دادن، یعنی سره را از ناسره تشخیص دادن، یعنی متوجه باشیم که جحت شرعی برای من در فضای مجازی، پست گذاری این آدم و آن آدم نیست، بلکه مبتنی بر زحمات

فردی برای کنکاش نسبت به دریافت اطلاعات صحیح است، البته مسئولیت کارگزار در ارائه اطلاعات صحیح و قانون‌گذار در ارائه اطلاعات صحیح و قانون‌گذار در به جریان انداختن اطلاعات دقیق و درست به‌جای خود محفوظ است و نباید کم کاری در این عرصه صورت پذیرد.

لولای دوم: دوازده پرسش اساسی

برای تبیین در رسانه باید به دوازده سؤال پاسخ بدهیم که ۵ مورد آن سلبی، ۵ مورد ایجابی و ۲ مورد طلائی است این سئوالات عبارتند از :

پرسش های ایجابی شامل: چه هستیم؟ چه باید باشیم؟ چه می‌توانیم باشیم؟ چه می‌خواهیم باشیم؟ چه می‌خواهند باشیم؟

سئوالات سلبی شامل: چه نیستیم؟ چه نباید باشیم؟ چه نمی‌توانیم باشیم؟ چه نمی‌خواهیم باشیم؟ چه نمی‌خواهند باشیم؟

و دو سؤال طلائی (نجات بخش) شامل: چه می‌گذارند باشیم؟ چه نمی‌گذارند باشیم؟

ساحت تبیین در هر گزاره ای یعنی پاسخ به این ۱۲ سؤال، در این صورت مشخص می‌شود که توضیحات ، تفسیرها و تحلیل ها درست بوده است یا خیر؟ حالا این ۱۲ سؤال را در مقام تحلیل با ۲ سند تطبیق دهید، یکی انسان ۲۵۰ ساله و دومی گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری ابلاغ کرده اند، در واقع این دو سند در کنار هم می‌شود این ۱۲ گزاره و کسی که

بتواند این ۱۲ گزاره را پیرامون هر موضوعی در کنار آن ۴ مرحله را که در ابتدا گفتیم انجام دهد، تردید نداشته باشید که به مرحله‌ی حقیقی تبیین انقلاب رسیده و این عمل نوعی جهاد است. برای درک بهتر مسئله جهاد تبیین کتاب انسان ۲۵۰ ساله را به عنوان یک سند مُتقن این مفهوم بخوانید، به این شکل که ابتدا مقدمه و سپس نتیجه‌گیری و بعد فصول را مطالعه بفرمائید و بعد آن را بگذارید کنار بیانات ایشان راجع به مباحث جهاد تبیین. این دو کلمه یعنی جهاد تبیین را شما در این کتاب مشاهده می‌فرمائید، سپس خود اصل سند بیانیه گام دوم انقلاب را با دقت مطالعه بفرمائید. اگر از من بپرسند رهبرشناسی شما با مصداق مقام معظم رهبری در حوزه‌ی علم و عمل کدام کتاب است می‌گویم کتاب انسان ۲۵۰ ساله. کتابی که خود رهبر معظم انقلاب راجع به آن نظر دادند، نوشتند، سخنرانی کردند و کتابی است که ایشان از سال ۱۳۵۰ دارند با آن کار می‌کنند. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۱ هر آن چه در ایران اتفاق افتاده چه در ایران قبل از انقلاب، چه در ایران بعد از انقلاب، می‌بینیم جمله به جمله این کتاب است.

حضرت آقا در این کتاب عبارت مهمی دارند: از حضرت خاتم (ص) تا امام دوازدهم (عج) هر کدام روش‌های متفاوتی داشتند که همه این روش‌ها در یک مسیر هستند. آنجا که خیلی‌ها صلح حسنی و قیام حسینی را در مقابل هم قرار می‌دادند و آقا مقابل آن ایستاد و جهاد تبیین کردند و در آن فرمایش امام حسین علیه السلام را مطرح کرد دقیقاً کتاب انسان ۲۵۰ ساله است. یک عبارت در مقدمه حضرت آقا یک بار به کار می‌برند تحت عنوان مبارزه سیاسی

حاد. قوانینی که در خارج از قوانین مرسوم است که شکل گرفته همان چیزی است که آن را تکمیل می‌کند. یعنی عبور از خیلی از قید و بندهایی که بیخودی به دست و پای اقدام کنندگان بسته شده است در واقع سه خصیصه در فرمایشات ایشان وجود دارد :

۱- هیچ مبحثی توسط ایشان مطرح نمی‌شود مگر آنکه ناظر به تاریخ گذشته و آینده پژوهی باشد.

۲- تمام فرمایشات ایشان مبتنی بر شش ساحت اصلی و زیرمجموعه هایش به صورت عام می‌باشد اما تأکید بر فرهنگ به صورت خاص است. زیربنای همه بیانات حضرت آقا حتی در حوزه دفاعی گرانگهش فرهنگ است.

۳- به هیچ وجه فرمایشات ایشان موضوعات منقطع از هم نیست و محال است از یک به یک بیانات ایشان از ابتدای انقلاب چیزی پیدا کنید که امروز خلاف آن را مطرح کرده باشد. (پیوستگی موضوعی و همبستگی مفهومی).

لولای سوم: شبکه نظام مند مفاهیم و پیام

اگر در شبکه نظام مند پیام نباشیم همه تلاش ما ابتر می‌ماند. نمی‌گویند دفتر هادیان می‌گویند " شبکه هادیان ". رمز موفقیت در میدانی سازی تبیین، داشتن یا بودن در شبکه است . هم خودش را شبکه کرده و هم می‌خواهد عوامل در داخل را شبکه کند . چون یک نفر یک روزنامه یک سایت یک کانال یک یک ... جواب نمی‌دهد. برای همین است که مقام معظم رهبری در قالب یک مفهوم بسیار زیبایی فرمودند: " دشمن می‌خواهد کاری بکند که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند " دستگاه محاسباتی یعنی شبکه.

خوب این جمله ایشان مقابلش چیه؟ تلاش برای ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی دشمن.

حالا در فضای مجازی چطور؟ اگر در این فرآیند، نگاه التقاط یا نگاه فرقه ای صورت پذیرد دقیقاً در حال تعویض جایگاه این دوازده گزاره می‌باشید. نکته قابل توجه کجاست؟ وقتی دشمن می‌خواهد ضد جهاد تبیین حرکت کند چگونه عمل می‌کند؟ ببینید مثلاً برای مردم در عصر امام حسین (ع) تبیین شده بود که به امام نامه بنویسید و ۱۸ هزارنامه از کوفه نوشته شد، حضرت مسلم پیرو این نامه‌ها می‌آید، قرار است آن خواستن و این آمدن تبدیل به گزاره ای به نام جهاد شود اما چه اتفاق می‌افتد؟ زر، زور و تزویر به میدان می‌آیند و تحلیل انقلابی مردم را به تبیین ضد امام تبدیل می‌کند و کربلا و عاشورا شکل می‌گیرد.

نکته‌ی خیلی مهم این است که دشمن بیکار نیست و به شدت تلاش می‌کند تا گزاره اصلی و نهایی شکل نگیرد. یک مثال می‌زنم، ببینید حدفاصل بین تحلیل عالمانه و جهاد تبیین را فاصله بین تهران تا قم در نظر بگیرید که این مسافت ۲۰۰ کیلومتری را ظرف مدت ۲ ساعت طی می‌کنید. یعنی هم زمان، هم مکان و هم خودمان جابجا شده ایم و اتفاقی رخ داده است یعنی عمل مفید فایده رخ داده است. اما دشمن چه می‌کند؟ تلاش می‌کند جلوی حرکت و جابجاشدن و اقدام و عمل ما را بگیرد. چگونه؟ ما را روی تردمیل برده و شما روی آن حرکت می‌کنی، در حال حرکت هستی اما جابجایی اتفاق نمی‌افتد، لذا هیچ اقدامی انجام نمی‌شود، یعنی در جا زدن. جهاد تبیین یعنی حرکت کردن

از نقطه A و رسیدن به نقطه B و ضد جهاد تبیین یعنی حرکت از نقطه A و ماندن در همان نقطه A. مردم در کوفه از نقطه A حرکت کردند و می‌توانستند به نقطه B برسند اما در نقطه A متوقف شدند زیرا روی تردمیل دویدند و هیچ اقدام مفید فایده‌ای انجام ندادند و این یعنی تبدیل شدن تبیین به ضد تبیین و انتهای آن می‌شود عاشورا و اسارت، چون در این ایستادن عملاً در برابر یاری امام می‌ایستند.

پس در جهاد تبیین قرار است از نقطه A به نقطه B در بعد زمان و مکان با تأکید بر فرآیند انتقال حرکت کنید و این یعنی وضع مطلوب. حالا دشمن می‌آید و تلاش می‌کند ما را محصور در این فرآیند و فضا کند به نحوی که عرض کردم.

شما وقتی نهج البلاغه را مطالعه می‌کنید می‌بینید فریاد امام از جهل، بلند است. یک زمان، جهل، شکل سنتی داشته ولی حالا شکل مدرن تری به خود گرفته و شده جاهلیت مدرن. این جاهلیت مدرن تلاش می‌کند حرکت جامعه انقلابی را بگیرد یا حرکت ما را روی تردمیل ببرد و این جز خسارت چیز دیگری نیست. جهاد مدرن این است که به اسم عدالتخواهی، در شب‌های ماه مبارک رمضان، هشتگ "#سیسمونی‌گیت" راه بیندازی و جامعه را نسبت به زمامداران دلسرد کنی. این در اثر تحلیل غلط است که فرد را به این جا می‌رساند. یا طرف آمده واقعه غدیر سال دهم هجری را دیده اما حالا در سقیفه جزء ساکتین فتنه شده است، کسانی که ساکت فتنه می‌شوند، ضربه بیشتری

نسبت به کسانی که در فتنه فعال هستند می‌زنند، چون می‌توانستند در زمان مناسب حرف مناسب را بزنند و نزدند و سکوت کردند.

در تاریخ اسلام برای بررسی جهل مدرن می‌توانید سراغ دو نفر بروید، ابو موسی اشعری و قاضی شریح. اینها کسانی بودند که برای ایستادگی در برابر امام، حکم صادر کردند؟ یا ضربه ای که ناکشین، قاسطین و مارقین به نهضت پیامبر (ص) زدند یهود و نصاری نزدند این مسئله از کجا می‌آید؟ از آن جا که شما گفته بودی "سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم" یعنی سلم و حریت درست است اما سلم بدون لعن، می‌شود حرب علیه امام و این جهل مدرن است و تحلیل یعنی شما بتوانی تشخیص درست پیدا کنی و حرف درست را بزنی. یعنی شما بتوانید حرف حضرت عمار را در تبیین گری درست منتقل کنید.

پس دشمن در فضای تبیین چه می‌کند؟ حرکت ضد تبیین را آغاز می‌کند. ببینید الآن در دنیا فقط چند کشور هستند که جزء کشورهای قسم خورده علیه ما هستند. اینها دشمنی خود را با ما چگونه در داخل کشورمان اعمال می‌کنند؟ این چهار دسته آدم را در انقلاب شمارش می‌کنند: ۱- انقلابیون ۲- غیر انقلابیون ۳- شبه انقلابیون ۴- ضد انقلابیون. خطرناک ترین جریان در مقابل انقلاب کدام جریان است؟ جریان شبه انقلابیون. این جماعت هستند که در شب قدر ماه رمضان فرق عدالت یعنی حضرت علی (ع) را می شکافند، یعنی همان منافقین هستند که از کفار بدتر هستند. یادمان باشد شهیدان مطهری، بهشتی، رجایی، باهنر، صدوقی و ... را چه کسانی شهید کردند؟ همین

منافقین و ضربه ای که ما از شهادت این عزیزان خورده ایم واقعاً قابل جبران نیست. پس آنجایی که از تحلیل، اراده‌ی بی بصیرتی حاصل می‌شود دقیقاً نقطه شکل‌گیری جریان‌ی به اسم منافقین است که مثل موربانه پایه‌های کارکردی و ایدئولوژیکی یک انقلاب را می‌خورند و به نقطه قراردادن جمهوریت در برابر انقلاب می‌رسند.

آن چه که در حوزه‌ی فضای رسانه شکل می‌گیرد به پیوست این فرآیند، رسیدن به چند مرحله است که تا طی نشود تبیین در رسانه اتفاق نمی‌افتد.

۱- بازشناسایی شعارهای ایدئولوژیک.

مالکیت، حیثیت، هویت و اراده یک نظام انقلابی در شعارهای ایدئولوژیکی اش خلاصه می‌شود. مثلاً "ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً" یا "اشداء على الكفار و رحماء بينهم و یا "بعثت لاتمم مكارم الاخلاق " حالا اگر این شعارهای استراتژیک برعکس شود و یا جابجا شود داستان به هم می‌خورد. حضرت آقا فرمودند حاج قاسم فرمانده ای بود که در میدان متشرع بود و بعد مکتب حاج قاسم را بیان کردند، تبیین یعنی همین. حاج قاسم برای همین است که جهانی می‌شود. پس اگر در جهاد تبیین می‌خواهید جامعه را به سمتی حرکت بدهید که مؤمن به انقلاب و منتقد منصف نسبت به جمهوریت نظام باشد باید اول شعارهای استراتژیک بازشناسایی شود.

۲- این شعارهای استراتژیک در حوزه تبیین باید مجدداً بازتعریف شوند. توضیح دادن و تشریح و تفسیر و تحلیل شوند تا تبیین صورت بگیرد، به

خصوص برای نسل سوم بعد از انقلاب که بین آن چیزی که می‌شنود ولی ندیده است باید یک ارتباطی برقرار کند.

در پایان این نکته را عرض می‌کنم که برای من همواره این سؤال مطرح بود که چرا تشیع پیکر حاج قاسم بین المللی شد؟ چون حاج قاسم خودش از مصادیق جهاد تبیین بود یعنی قول و تقدیر و منش و روش و بینش حاج قاسم خود جهاد تبیین بود. به تعبیر دیگر اگر بخواهیم بگوییم جهاد تبیین یعنی چه؟ می‌گوییم یعنی حاج قاسم سلیمانی که در مکتب اباعبدالله (ع) و در زمان غیبت امام معصوم (ع) یعنی زمان حاضر که مقام معظم رهبری هدایت جامعه را برعهده دارند، شئون عاقبت بخیری را در اطاعت از این حکیم وفقیه الهی می‌داند.

انشاله که همه ما بتوانیم وظایف خودمان را در این فریضه‌ی قطعی و فوری، یعنی جهاد تبیین هم در فضای مجازی و هم فضای غیرمجازی به نحو احسن انجام دهیم. انشالله.